



Content Analysis of the Criminal Law Doctrines Journal: Thematic Trends, Academic Participation, and Research Gaps

Soheila Ebrahimzade¹✉ , and Reza Gholami-Jamkarani² 

1. Assistant Professor, Department of Law, Shahab Danesh University, Qom, Iran (Corresponding author). E-mail: soheila.ebrahimzade@iau.ir
2. Associate Professor, Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. E-mail: gholamijamkarani.r@iau.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/07/31

Received in revised:
2025/09/06

Accepted: 2025/09/22

Available online: 2025/11/11

Keywords:

Content analysis, Knowledge management, Criminal law, Criminal policy, Criminology, Criminal jurisprudence.

ABSTRACT

Objective: Academic journals are not only platforms for publishing research findings but also critical instruments in institutionalizing knowledge, directing scientific policy, and reflecting discursive transformations in every specialized field. In criminal law—an interdisciplinary and policy-sensitive domain—the structural and content analysis of journals provides a robust basis for evaluating the current state of knowledge, identifying research gaps, and shaping strategic pathways for scholarly advancement. In Iran, the *Criminal Law Doctrines* journal is regarded as one of the most reputable periodicals in the field, contributing significantly to the development of theory and application in areas such as criminology, criminal policy, and Islamic criminal jurisprudence. Despite its prominence, no comprehensive analysis has yet been conducted to assess the thematic orientations, authorship patterns, or structural dynamics of the journal’s academic output. This study aims to fill this gap by offering a systematic and data-driven assessment of the journal’s performance over a thirteen-year period (2011–2023), with the goal of informing future editorial strategies and national research policies in criminal law.

Methodology: This research employs a descriptive–analytical design based on quantitative content analysis. The statistical population consists of all 249 articles published in 26 issues of the *Criminal Law Doctrines* journal between 2011 and 2023. For each article, key variables including title, number and rank of authors, institutional affiliation, gender, authorship structure (individual or group-based), and main subject area were extracted and coded. The data were analyzed using Microsoft Excel, and the results are presented through statistical tables, graphs, and thematic interpretations.

Findings: The analysis indicates a relatively stable and gradually increasing trend in the volume of publications. Most contributors held the academic rank of assistant professor or above, and a significant number were PhD candidates, demonstrating strong engagement from early-career researchers. However, gender disparity remains stark: female authors accounted for only 12% of the total, and institutional participation was predominantly limited to major universities located in Tehran and a few provincial hubs (notably Shahid Beheshti University, University of Tehran, and Ferdowsi University of Mashhad), suggesting limited geographic diversity.

Thematically, the most represented fields were criminal policy (45 articles; 17.2%), international criminal law (16%), and criminology (13%). In contrast, subjects such as general criminal law, criminal procedure, criminal philosophy, juvenile justice, and evidentiary law were underrepresented, pointing to a thematic imbalance and the relative neglect of foundational and emerging subfields. Moreover, the dominant authorship model was individual or co-authored by two researchers; collaborative or interdisciplinary works were rare, reflecting a potential shortfall in research integration and collective inquiry.

Conclusion: This study provides a comprehensive and systematic portrayal of scholarly output in one of Iran’s leading criminal law journals. The findings underscore the journal’s success in establishing a stable publication trajectory and its role in promoting high-level academic engagement, especially among faculty and doctoral students. Nevertheless, significant challenges remain: limited thematic diversity, gender imbalance, and narrow institutional representation all signal the need for renewed editorial strategies and inclusive academic policies. From a scholarly policy perspective, the results advocate for more diversified and balanced calls for papers, greater encouragement of interdisciplinary and multi-author research, and targeted efforts to support underrepresented subject areas and contributor groups. Importantly, the use of a quantitative content analysis framework offers a replicable model for evaluating journal performance that could be applied to other legal and humanities periodicals seeking to enhance their academic standards and research

impact. By identifying dominant patterns and neglected gaps in Iran's criminal law scholarship, this study contributes to the national conversation on legal research development and provides practical guidance for thesis supervision, editorial planning, and policy formation. It also highlights the potential for using content analysis not only as an evaluative tool but also as a strategic mechanism for shaping the future landscape of legal academia in Iran and comparable jurisdictions.

Cite this article: Ebrahimzade, Soheila; Gholami-Jamkarani, Reza (2025). Content Analysis of the Criminal Law Doctrines
Journal: Thematic Trends, Academic Participation, and Research Gaps, *Applied Scientometric Studies*, 2(3), 102 - 119.
<https://doi.org/10.22091/apss.2026.13517.1052>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.

DOI: <http://doi.org/10.22091/apss.2026.13517.1052>

تحلیل محتوای مقالات نشریه آموزه‌های حقوق کیفری: روندهای موضوعی، ساختار مشارکت علمی، و خلأهای پژوهشی

سهیلا ابراهیم‌زاده^۱ و رضا غلامی‌جمکرانی^۲

۱. گروه حقوق، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: soheila.ebrahimzade@iau.ir
 ۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: gholamijamkarani.r@iau.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی.</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، مدیریت دانش، حقوق کیفری، سیاست جنایی، جرم‌شناسی، فقه جزایی.</p>	<p>هدف: نشریات علمی، نته‌تها محملی برای ارائه یافته‌های پژوهشی هستند، بلکه مهمترین ابزار نهادینه‌سازی دانش، جهت‌دهی به سیاست‌های علمی، و بازتاب تحولات گفتمانی در هر حوزه تخصصی محسوب می‌شوند. در حوزه حقوق کیفری که ماهیتی میان‌رشته‌ای و تأثیرگذار بر نظام عدالت کیفری و تصمیم‌سازی‌های کلان دارد، تحلیل محتوای نشریات علمی می‌تواند ابزاری مؤثر برای بررسی وضعیت دانش، سنجش شکاف‌های پژوهشی، و طراحی مسیرهای توسعه علمی باشد. در ایران، نشریه «آموزه‌های حقوق کیفری» از جمله معتبرترین فصلنامه‌های تخصصی در این حوزه به شمار می‌رود که در سال‌های اخیر جایگاه مهمی در ارتقاء مباحث نظری و کاربردی در زمینه جرم‌شناسی، سیاست جنایی، و فقه جزایی داشته است. با وجود این، تاکنون تحلیل جامعی از محتوای مقالات منتشرشده در این نشریه برای شناسایی روندهای موضوعی، ساختار مشارکت علمی، و خلأهای پژوهشی انجام نشده است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به بررسی ساختار علمی و محتوایی مقالات نشریه در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ می‌پردازد و تلاش دارد تصویری دقیق و داده‌محور از عملکرد این نشریه ارائه دهد.</p> <p>روش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای کمی است. جامعه آماری شامل تمامی ۲۶۱ مقاله منتشرشده در ۲۷ شماره از فصلنامه «آموزه‌های حقوق کیفری» طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ است. برای هر مقاله، متغیرهایی چون عنوان مقاله، نام و تعداد نویسندگان، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسندگان، جنسیت، ساختار نویسندگی (فردی یا گروهی)، و محور موضوعی مقاله استخراج و کدگذاری شد. داده‌ها با نرم‌افزار اکسل تحلیل شده و نتایج در قالب جداول، نمودارها و تحلیل‌های آماری، و تفسیرهای محتوایی ارائه شد.</p> <p>یافته‌ها: بررسی روند انتشار مقالات نشان داد که نشریه از نظر کمی، دارای ثبات نسبی و روندی تدریجی در رشد تعداد مقالات بوده است. در بُعد مشارکت علمی، بیشتر نویسندگان دارای مرتبه علمی استادیار به بالا بوده‌اند و مشارکت دانشجویان دکتری نیز قابل توجه بوده است. با این حال، میزان مشارکت زنان بسیار محدود بوده و تنها حدود ۱۲ درصد کل نویسندگان را تشکیل داده‌اند. در بررسی وابستگی سازمانی، تمرکز زیادی بر دانشگاه‌های پایتخت و چند دانشگاه شاخص (از جمله شهید بهشتی، تهران، و فردوسی مشهد) مشاهده شد و تنوع جغرافیایی مشارکت علمی نسبتاً پایین بود. از نظر محتوایی، یافته‌ها نشان داد که بیشترین تمرکز مقالات بر حوزه‌هایی چون سیاست جنایی (۴۵ مقاله معادل ۱۷.۲ درصد)، حقوق بین‌الملل کیفری (۴۱ مقاله)، و جرم‌شناسی (۳۵ مقاله) بوده است. موضوعاتی چون حقوق کیفری عمومی، آیین دادرسی کیفری، فلسفه کیفری، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، و ادله اثبات دعوی سهم کمتری در محتوای نشریه داشته‌اند. این امر نشان‌دهنده نوعی تمرکز موضوعی بر مسائل راهبردی و بین‌المللی در مقابل بی‌توجهی نسبی به برخی حوزه‌های کلاسیک یا نوظهور در حقوق کیفری است. الگوی رایج نگارش نیز نشان‌دهنده غلبه ساختار فردی یا دونفره در تألیف مقالات بوده و میزان مقالات گروهی یا میان‌رشته‌ای بسیار محدود است.</p> <p>نتیجه‌گیری: این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کمی و ساختار یافته، تصویری جامع از وضعیت تولید دانش در یکی از نشریات تخصصی حقوق کیفری کشور ارائه داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تثبیت نسبی جایگاه نشریه در سطح ملی، چالش‌هایی جدی در تنوع موضوعی، جغرافیایی، و جنسیتی وجود دارد که می‌تواند بر کیفیت و اثربخشی علمی آن تأثیرگذار باشد. این تحلیل نشان می‌دهد که تمرکز بر برخی حوزه‌های خاص، در کنار غفلت از موضوعات بنیادین و کاربردی، موجب عدم تعادل در سبد پژوهشی این نشریه شده است. از سوی دیگر، مشارکت پایین</p>

زنان و مؤسسات علمی خارج از پایتخت، بیانگر نیاز به سیاست‌گذاری‌های تحریریه‌ای برای تشویق به مشارکت متنوع‌تر است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران علمی، دبیران نشریه، و پژوهشگران تحصیلات تکمیلی در طراحی فراخوان‌های هدفمند، تدوین محورهای جدید پژوهشی، و انتخاب موضوعات پایان‌نامه‌ای کمک کند. افزون‌بر این، الگوی ارائه‌شده در این مطالعه می‌تواند الگویی برای ارزیابی علمی سایر نشریات تخصصی حقوقی و علوم انسانی محسوب شود.

استناد: ابراهیم‌زاده، سهیلا؛ غلامی‌جمکرانی، رضا (۱۴۰۴). تحلیل محتوای مقالات نشریه آموزه‌های حقوق کیفری: روندهای موضوعی، ساختار مشارکت علمی، و خالهای پژوهشی. *مطالعات کاربردی علم‌سنجی*، ۲ (۳)، ۱۱۹-۱۰۲. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.13517.1052>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

۱. مقدمه

در عصر جدید، تولید علم و ارزیابی آن به یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه علمی و سیاست‌گذاری پژوهشی کشورها بدل شده است. مجلات علمی-پژوهشی، یکی از مهمترین رسانه‌های علمی هستند که در شکل‌دهی، هدایت، و اشاعه دانش تخصصی نقش محوری ایفا می‌کنند. بررسی محتوای این مجلات نه تنها نشان‌دهنده روندهای علمی غالب و سیر تکاملی اندیشه‌هاست، بلکه می‌تواند خلأهای پژوهشی، گرایش‌های موضوعی، و الگوهای تعامل علمی میان پژوهشگران را آشکار سازد (بورنمن و موتز^۱، ۲۰۱۵؛ موعد^۲، ۲۰۰۵).

در این میان، نشریات تخصصی در حوزه حقوق، به‌ویژه حقوق کیفری، آینه‌ای از تحولات نظری و کاربردی نظام عدالت کیفری هستند که جایگاه مهمی در توسعه دانش حقوقی کشور دارند. با وجود این اهمیت، تحلیل ساختار و محتوای مجلات علمی حقوقی در ایران، برخلاف رشته‌هایی چون حسابداری یا علوم تربیتی، کمتر در کانون توجه قرار گرفته است (حسینی و ذوالفقاری، ۱۳۹۸؛ رفیعی و مظاهری، ۱۴۰۰). این خلأ پژوهشی در شرایطی رخ می‌دهد که جامعه حقوقی ایران در رویارویی با مسائل پیچیده‌ای نظیر جرم‌شناسی نوین، عدالت ترمیمی، و تحولات فقه جزایی، نیازمند بازبینی و ارزیابی دقیق ظرفیت علمی خود است.

یکی از راهکارهای مهم برای سنجش این ظرفیت، تحلیل محتوای نشریات علمی در این حوزه است. روش تحلیل محتوا، روشی توصیفی-کمی یا کیفی است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با اتکا به داده‌های مستند و قابل ارزیابی، ویژگی‌های محتوایی و ساختاری مقالات علمی را از ابعاد مختلف چون موضوع، روش‌شناسی، نویسندگان، مشارکت علمی، و وابستگی سازمانی بررسی کند (کریپندورف^۳، ۲۰۱۳؛ نئوندورف^۴، ۲۰۱۷). تحلیل محتوا همچنین یکی از رویکردهای علم‌سنجی است که به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا مسیرهای آینده تولید دانش را به‌طور هدفمند هدایت کنند (گانتر و دوماهیدی^۵، ۲۰۱۷).

در این راستا، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری یکی از مجلات علمی-پژوهشی معتبر کشور در حوزه حقوق کیفری است که انتخاب مناسبی برای تحلیل محتوای مقالات به شمار می‌آید. این نشریه که از سال ۱۳۹۰ آغاز به کار کرده، به‌طور تخصصی بر تولید ادبیات علمی در حوزه حقوق کیفری با رویکرد اسلامی-ایرانی تمرکز دارد. انتشار منظم، حضور نویسندگان با مرتبه علمی بالا، تنوع نسبی در گرایش‌های موضوعی، و جذب مشارکت از طیف متنوعی از دانشگاه‌های کشور، از جمله ویژگی‌هایی است که این نشریه را به نمونه‌ای قابل اتکا برای مطالعه روندهای علمی این حوزه بدل می‌کند.

با وجود فعالیت بیش از یک دهه‌ای این نشریه و افزایش کمی و کیفی مقالات منتشرشده در آن، تاکنون مطالعه‌ای جامع برای بررسی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی این مقالات انجام نگرفته است. پرسش‌هایی نظیر اینکه چه موضوعاتی بیشترین سهم را در این نشریه داشته‌اند؟ الگوی مشارکت نویسندگان چگونه بوده است؟ وابستگی سازمانی پژوهشگران چه توزیعی دارد؟ همچنان بدون پاسخ باقی مانده‌اند.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به تحلیل محتوای مقالات منتشرشده در نشریه آموزه‌های حقوق کیفری در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ می‌پردازد. با تحلیل ۲۶۱ مقاله چاپ‌شده در ۲۶ شماره، این پژوهش می‌کوشد تا تصویری جامع از

1. Bornmann & Mutz
2. Moed
3. Krippendorff
4. Neuendorff
5. Günther & Domahidi

گرایش‌های موضوعی، نوع مشارکت علمی، جنسیت و سطح تحصیلات نویسندگان، وابستگی سازمانی آن‌ها، و نوع روش‌های پژوهشی رایج ارائه دهد. چنین تحلیلی نه تنها می‌تواند مسیر پژوهش‌های آینده در حوزه حقوق کیفری را هدفمندتر سازد، بلکه به سیاست‌گذاران علمی و مدیران نشریه کمک خواهد کرد تا نقاط قوت و ضعف ساختار محتوایی مجله را شناسایی و اصلاحات لازم را در دستور کار قرار دهند.

با توجه به مطالب گفته شده و هدف اصلی پژوهش که شناخت ویژگی‌های محتوایی مقالات نشریه آموزه‌های حقوق کیفری است، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: ویژگی‌های محتوایی و ساختاری مقالات منتشرشده در نشریه آموزه‌های حقوق کیفری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ کدام‌اند و چه الگوهایی را در زمینه تولید دانش حقوق کیفری در ایران نشان می‌دهند؟ در این راستا سؤالات زیر مطرح شده‌اند:

۱. روند انتشار مقالات در نشریه آموزه‌های حقوق کیفری در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ چگونه بوده است؟
۲. چه الگویی از نظر جنسیت در میان نویسندگان مقالات وجود دارد؟
۳. چه الگویی از نظر مرتبه علمی در میان نویسندگان مقالات وجود دارد؟
۴. چه الگویی از نظر وابستگی سازمانی در میان نویسندگان مقالات وجود دارد؟
۵. موضوعات علمی مقالات منتشرشده در نشریه چگونه توزیع شده‌اند و چه حوزه‌هایی بیشترین فراوانی را داشته‌اند؟
۶. چه میزان مشارکت علمی (تعداد نویسندگان در هر مقاله) در این نشریه دیده می‌شود و الگوهای غالب کدام‌اند؟

۲. ادبیات و پیشینه پژوهش

تحلیل محتوا یکی از روش‌های مهم در پژوهش‌های کیفی است که روشی استاندارد برای بررسی نظام‌مند متون و آثار منتشرشده در حوزه‌های علمی به شمار می‌رود. این روش با تمرکز بر کشف الگوهای معنایی، گرایش‌های موضوعی، نوع روش‌شناسی، مشارکت علمی و ویژگی‌های نویسندگان، به پژوهشگران امکان می‌دهد تا به درک عمیق‌تری از ساختار تولید دانش در یک حوزه مشخص دست یابند (کرپیندورف، ۲۰۱۳).

در علوم انسانی به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری که با مفاهیم، نظریه‌ها و رویکردهای فلسفی و اجتماعی گره خورده است، تحلیل محتوای متون علمی منتشرشده می‌تواند ابزاری ارزشمند برای شناسایی روندهای علمی، رویکردهای غالب، و کمبودهای پژوهشی باشد. به همین دلیل، در سال‌های اخیر، تحلیل محتوای نشریات حقوقی در کانون توجه قرار گرفته است.

مطالعه‌ای که میلر^۱ و همکاران (۲۰۱۹) انجام دادند از نخستین تلاش‌های جدی برای بررسی نظام‌مند روندهای علمی در نشریات حقوقی به شمار می‌آید. پژوهش آن‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی، مقالات منتشرشده در نشریه جنبه‌های حقوقی ورزش طی بازه‌ای ۲۵ ساله (۱۹۹۲-۲۰۱۶) را بررسی کرد. داده‌های پژوهش شامل ۲۸۲ مقاله بود که براساس موضوع، روش پژوهش، و جایگاه نویسندگان (اعم از دانشگاهی یا حرفه‌ای) طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان دادند که بخش عمده‌ای از مقالات به مباحثی چون قراردادهای ورزشی، مسئولیت‌های حقوقی، و سیاست‌های مقابله با دوپینگ اختصاص یافته است. همچنین غلبه رویکردهای تحلیلی — نظری بر مطالعات تجربی یا میان‌رشته‌ای از ویژگی‌های بارز این دوره بود. پژوهشگران تأکید کردند که هرچند تولید علمی در این حوزه از نظر کمی رو به افزایش بوده، اما از نظر تنوع موضوعی و روش‌شناسی همچنان جای بهبود و توسعه وجود

دارد. این نتایج نشان می‌دهد که تحلیل محتوای نشریات می‌تواند ابزاری کارآمد در ارزیابی توازن موضوعی و کیفیت پژوهش‌های تخصصی در حوزه حقوق باشد.

با رشد پژوهش‌های کیفی در حوزه‌های جرم‌شناسی و عدالت کیفری، بررسی استانداردها و انتظارات رشته‌ای در مورد نحوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی و ارائه یافته‌های پژوهش، اهمیت دارد. مطالعه «تحلیل محتوای پژوهش‌های کیفی منتشر شده در نشریات برتر جرم‌شناسی و عدالت کیفری از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹» اثر کوپس^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی روندها و ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی در این حوزه طی یک دهه می‌پردازد. پژوهش آن‌ها با تحلیل ۸۵۲۲ مقاله از ۱۷ نشریه معتبر جرم‌شناسی نشان داد که تنها ۱۱/۳ درصد از مقالات از روش‌های کیفی بهره برده‌اند که نسبت به دهه‌های قبل افزایش داشته است. اما درصد کلی آن نسبتاً ثابت مانده است. یافته‌ها بیانگر آن است که پژوهش‌های کیفی اغلب بر موضوعاتی مانند تجربه‌های فردی، هویت، و رفتارهای انحرافی تمرکز دارند، در حالی که به موضوعاتی مانند قربانیان کمتر توجه شده است.

مطالعه «چهار دهه از نشریه حقوق و رفتار انسان^۲: یک تحلیل محتوا» اثر ویلی^۳ و همکاران (۲۰۱۸) به شیوه‌ای نظام‌مند به بررسی ۱۳۵۰ مقاله منتشر شده در این نشریه بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۶ پرداخته است. پژوهش آن‌ها با هدف شناسایی روندهای موضوعی، ویژگی‌های ساختاری مقالات، و عوامل مؤثر بر میزان استناد در گوگل اسکولار^۴ و ارجاع در آراء قضایی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موضوعات «تصمیم‌گیری هیئت منصفه/قضات» و «شاهد عینی/حافظه» بیشترین فراوانی را داشته‌اند. از منظر حقوقی، بیشترین ارتباط با «حقوق کیفری» و «حقوق سلامت روان» و از منظر روان‌شناسی، با «روان‌شناسی اجتماعی-شناختی» بوده است. تنوع در جنسیت و ملیت نویسندگان اول به‌مرور افزایش یافته و ساختار مقالات نیز تغییراتی مانند افزایش تعداد نویسندگان، طول عنوان، و تعداد منابع را تجربه کرده است. مطالعه آن‌ها با ارائه تصویری جامع از تحولات چهاردهه گذشته به پژوهشگران کمک می‌کند تا روندهای پژوهشی را درک کرده و زمینه‌های جدیدی برای پژوهش شناسایی کنند.

مطالعه «روندهای پژوهشی در حقوق: یک مطالعه آماری» اثر رابرت سی. الیکسون^۵ از دانشکده حقوق ییل، یکی از پژوهش‌های برجسته در زمینه تحلیل روندهای فکری در پژوهش‌های حقوقی ایالات متحده در بازه زمانی ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۶ است. پژوهش او با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی، به بررسی فراوانی و تغییرات پانزده رویکرد فکری در متون مقالات حقوقی پرداخته است. الیکسون برای هر یک از رویکردهای فکری، واژه‌ها یا عبارات شاخصی را به‌عنوان نماینده^۶ انتخاب و با استفاده از پایگاه داده وست‌لاو^۷، فراوانی این واژه‌ها را در مقالات حقوقی بررسی کرد. برای جلوگیری از تحریف نتایج به‌دلیل افزایش حجم پایگاه داده در طول زمان، روش‌هایی برای نرمال‌سازی داده‌ها به کار گرفته شد. یافته‌های مطالعه او نشان می‌دهد تحلیل‌های دکترینال^۸ همچنان جایگاه خود را حفظ کرده و کاهش قابل توجهی نداشته‌اند. رویکرد «حقوق و اقتصاد»^۹ رشد ملایمی را تجربه کرده است. مطالعات حقوقی انتقادی^{۱۰} ابتدا با افزایش محبوبیت، اما سپس با کاهش علاقه روبه‌رو شدند. نشریات حقوقی برجسته تمایل بیشتری به انتشار

1. Copes
2. Law and Human Behavior
3. Wylie
4. Google Scholar
5. Robert C. Ellickson
6. Proxy
7. Westlaw
8. doctrinal analysis
9. Law and Economics
10. Critical Legal Studies

مقالات مرتبط با جمهوری خواهی مدنی^۱، مطالعات حقوقی انتقادی، نظریه نژادی انتقادی^۲، و هنجارهای اجتماعی داشته‌اند. مطالعه الیکسون نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج، تحلیل‌های سنتی دکترینال همچنان نقش مهمی در پژوهش‌های حقوقی دارند. همچنین، تغییرات در محبوبیت رویکردهای مختلف، بازتابی از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه حقوقی است. پژوهش مکی (۲۰۱۹) با عنوان «تحلیل ارزش‌های خبری گفتمانی در گزارش‌های جرم در ایران» در نشریه گفتمان و ارتباطات^۳ منتشر شده است. مطالعه او با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نحوه بازنمایی جرایم در رسانه‌های خبری ایران پرداخته و ارتباط آن با ساختارهای قدرت، فرهنگ سیاسی، و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک رسانه‌ها را واکاوی کرده است. داده‌های پژوهش شامل گزارش‌های خبری منتشرشده در رسانه‌های رسمی طی یک بازه زمانی مشخص بود که با لاستفاده از چارچوب ون دایک و فرکلاف تحلیل شدند. نتایج مطالعه او نشان داد که گزارش‌های رسانه‌ای درباره جرم بیشتر بر وجه هیجانی، فردی‌سازی بزهکار، و برجسته‌سازی عناصر خشونت‌آمیز تمرکز دارند و کمتر به علل ساختاری جرم یا زمینه‌های اجتماعی آن پرداخته می‌شود. این الگو، بازتابی از سیاست‌های رسمی و رویکرد امنیت‌محور نظام رسانه‌ای تلقی شده است. اهمیت پژوهش مکی در آن است که نشان می‌دهد چگونه تحلیل محتوا (به‌ویژه تحلیل گفتمان) می‌تواند ابزار نیرومندی برای کشف سوگیری‌ها، جهت‌گیری‌های پنهان، و پیامدهای فرهنگی و حقوقی در بازنمایی پدیده‌های کیفری باشد.

زکی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیل محتوای گرایش‌های پژوهشی در نشریات علمی مدیریت» با روش تحلیل محتوا به بررسی ۲۸۶۸ مقاله در چهار نشریه علمی مدیریت پرداخت که در سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۱ میلادی منتشر شده‌اند. نتایج پژوهش او نشان داد که نزدیک ۴۶ درصد از مقاله‌ها، دو مؤلف و ۳۲ درصد از آن‌ها یک نویسنده دارد. بیشترین مقاله‌ها یعنی ۴۱ درصد، مربوط به نشریه آکادمی مدیریت و کمترین آن‌ها به نشریه علم سازمانی اختصاص داشت.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل محتوای نشریات علوم مالی دارای رتبه علمی - پژوهشی ایران و مقایسه با نشریه فاینانس آمریکا، پس از بررسی ۵۴۶ مقاله منتشرشده در نشریات علمی - پژوهشی بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۱ و مقایسه آن‌ها با ۴۶۷۹ مقاله منتشرشده در نشریه معتبر فاینانس بین سال‌های ۱۹۴۶-۲۰۱۳ دریافتند که موضوعات مدیریت مالی با ۳۶ درصد، مدیریت سرمایه‌گذاری و پرتفوی با ۱۹ درصد، و ۱۸ درصد موضوعات بین‌رشته‌ای در مقالات فارسی، اهم موضوعات بحث‌شده هستند. درحالی‌که مقالات مجله فاینانس، ۲۸ درصد از مقالات به موضوع مدیریت مالی، ۲۴ درصد به موضوعات بین‌رشته‌ای، ۱۶ درصد مدیریت سرمایه‌گذاری و پرتفوی، و ۱۳ درصد به مهندسی مالی تعلق داشته است. براین اساس روند پرداختن به موضوع مدیریت مالی در مجلات تخصصی علوم مالی ایران و آمریکا در صدر مقالات منتشره در این نشریات بوده است، اما در کنار آن تنوع انتخاب مقالات در مجلات تخصصی حوزه مالی نیز وجود دارد.

ادبیات پیشین نشان می‌دهند که تحلیل محتوای نشریات حقوقی و کیفری می‌تواند ابزار مؤثری برای درک روندهای پژوهشی و تغییرات در حوزه‌های مختلف حقوقی باشد. مطالعات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهند برخلاف رشته‌هایی مانند حسابداری و مدیریت، هنوز مطالعه جامعی براساس تحلیل محتوای نشریات تخصصی حقوق کیفری در ایران منتشر نشده است. پژوهش حاضر با تحلیل ۲۶۱ مقاله در نشریه آموزه‌های حقوق کیفری در طی ۱۴ سال، کوشیده است به بخشی از خلأهای فوق پاسخ دهد. این مطالعه

1. Civic republicanism
2. Critical Race Theory
3. Discourse & Communication

نه تنها با بررسی داده‌های آماری مانند رتبه علمی، وابستگی سازمانی و جنسیت، به تحلیل ساختاری نشریه پرداخته، بلکه با طبقه‌بندی موضوعی، گامی فراتر از گزارش توصیفی گذاشته و به شناسایی اولویت‌های پژوهشی و خلأهای موضوعی در حقوق کیفری ایران کمک کرده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با روش تحلیل محتوای کمی انجام شده است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های علمی رایج در پژوهش‌های علوم انسانی است که برای شناسایی نظام‌مند ویژگی‌های معنادار در محتوای نوشتاری، گفتاری، یا تصویری استفاده می‌شود (کرپیندورف، ۲۰۱۳). در این روش، پژوهشگر بدون نیاز به جمع‌آوری داده‌های میدانی، از اسناد و مدارک موجود بهره می‌گیرد و با استفاده از نظام کدگذاری مشخص، داده‌ها را به شیوه کمی تحلیل می‌کند.

جامعه آماری این پژوهش را تمامی مقالات منتشرشده در نشریه «آموزه‌های حقوق کیفری» طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ تشکیل می‌دهد که روی هم شامل ۲۶۱ مقاله در ۲۷ شماره می‌شود. داده‌های مورد نیاز شامل عنوان مقاله، نام نویسندگان، جنسیت، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، تعداد نویسندگان، واژگان کلیدی، و موضوع مقاله از وبسایت رسمی نشریه استخراج شد. ابزار گردآوری داده‌ها، سیاهه واری (چک‌لیست تحلیل محتوا) تدوین‌شده پژوهشگران براساس مطالعات پیشین و اهداف پژوهش بود. داده‌ها پس از استخراج اولیه، در محیط نرم‌افزار اکسل وارد شده و سپس با استفاده از تحلیل فراوانی، جدول‌بندی، و نمودارسازی بررسی شدند.

برای طبقه‌بندی موضوعی مقالات، از روشی ترکیبی استفاده شده است. ابتدا براساس مرور ادبیات و کلیدواژه‌های رایج در حوزه حقوق کیفری (مانند: حقوق کیفری عمومی، جرم‌شناسی، سیاست جنایی، فقه جزایی و...) یک چارچوب کدگذاری اولیه طراحی شد و سپس هر مقاله براساس عنوان و کلیدواژه‌ها به یکی از طبقات موضوعی تخصیص یافت. دسته‌بندی‌های مرسوم در سرفصل‌های مصوب وزارت علوم برای رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی نیز مبنای انتخاب کلیدواژه‌ها قرار گرفته است. این روش پژوهش، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با صرف منابع محدود و با استفاده از اطلاعات موجود، روندهای موضوعی، ساختاری، و روشی را در یک بازه زمانی گسترده به شیوه‌ای منظم تحلیل کند (تئوندورف، ۲۰۱۷).

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش به سؤالات پژوهش براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها پاسخ داده می‌شود:

۱. روند انتشار مقالات در نشریه آموزه‌های حقوق کیفری در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ چگونه بوده است؟

جدول ۱. میزان مقالات منتشر شده

سال	تعداد شماره	تعداد مقاله	درصد
۱۳۹۰	۲	۱۶	۶/۱۳
۱۳۹۱	۲	۱۶	۶/۱۳
۱۳۹۲	۲	۱۶	۶/۱۳
۱۳۹۳	۲	۱۶	۶/۱۳
۱۳۹۴	۲	۱۷	۶/۱۳

۶/۱۳	۱۶	۲	۱۳۹۵
۶/۱۳	۱۶	۲	۱۳۹۶
۶/۱۳	۱۶	۲	۱۳۹۷
۹/۱۹	۲۴	۲	۱۳۹۸
۹/۱۹	۲۴	۲	۱۳۹۹
۹/۱۹	۲۴	۲	۱۴۰۰
۹/۱۹	۲۴	۲	۱۴۰۱
۹/۱۹	۲۴	۲	۱۴۰۲
۴/۵۹	۱۲	۱	۱۴۰۳
۱۰۰	۲۶۱	۲۷	جمع

با بررسی ۲۷ شماره نشریه آموزه‌های حقوق کیفری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، مشخص شد که در طی این ۱۴ سال ۲۶۱ مقاله منتشر شده است. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، سیاست‌های انتشار نشریه درباره تعداد مقاله در هر شماره و هر سال از روندی ثابت و مشخص پیروی می‌کند و نشریه کماکان بر حفظ این سیاست در سال‌های اخیر هم تأکید دارد. انتشار منظم و یکنواخت ۲ شماره در هر سال، نشانه ثبات ساختاری نشریه است. افزایش تعداد مقالات در هر شماره از سال ۱۳۹۸ به بعد (۱۲ مقاله در هر شماره)، نشان‌دهنده ارتقاء ظرفیت علمی یا سیاست جدید هیئت تحریریه در پذیرش بیشتر مقالات و البته ارتقاء استانداردهای نشر است. این روند، بازتابی از تقویت جایگاه نشریه در جامعه علمی حقوق کیفری تلقی می‌شود.

۲. چه الگویی از نظر جنسیت در میان نویسندگان مقالات وجود دارد؟

جدول ۲. توزیع فراوانی جنسیت مشارکت‌کنندگان در نگارش مقالات

جنسیت	تعداد مشارکت در مقالات (مجموع نویسندگان)	درصد
زن	۶۰	۱۲
مرد	۴۴۶	۸۸
مجموع	۵۰۶	۱۰۰

سهم مشارکت زنان تنها ۱۲ درصد از کل مشارکت‌ها را تشکیل می‌دهد، که نمایانگر نوعی شکاف جنسیتی قابل توجه در تولید علم حقوق کیفری است. این نابرابری ممکن است ناشی از ساختار دانشگاهی مردم‌محور در حوزه حقوق، یا نبود سیاست‌های تشویقی برای حضور فعال‌تر زنان در این حوزه باشد. لازم است در سیاست‌گذاری‌های آتی نشریه و آموزش عالی کشور، توجه بیشتری به ارتقاء مشارکت زنان در علوم انسانی و به‌طور خاص در علم حقوق شود.

۳. چه الگویی از نظر مرتبه علمی در میان نویسندگان مقالات وجود دارد؟

جدول ۳. سطح علمی نویسندگان

سطح علمی	تعداد مشارکت در مقالات	درصد
استاد	۳۵	۷
دانشیار	۹۶	۱۹

۴۲	۲۱۰	استادیار
۲۱	۱۰۹	دانشجوی دکتری
۱۱	۵۶	کارشناس ارشد
۱۰۰	۵۰۶	جمع

حدود ۶۷ درصد از نویسندگان دارای مرتبه استادیار به بالا هستند که نشان‌دهنده کیفیت علمی مناسب نشریه است. مشارکت چشمگیر دانشجویان دکتری (۲۱ درصد) نیز می‌تواند بیانگر نقش این نشریه در آموزش و هدایت پژوهش‌های دانشجویی باشد.

۴. چه الگویی از نظر وابستگی سازمانی در میان نویسندگان مقالات وجود دارد؟

جدول ۴. وابستگی سازمانی نویسندگان

ردیف	سازمان	تعداد مشارکت در مقالات	درصد
۱	دانشگاه شهید بهشتی	۵۷	۱۱/۲۶
۲	دانشگاه علامه طباطبایی	۴۱	۸/۱۰
۳	دانشگاه فردوسی مشهد	۳۱	۶/۱۳
۴	دانشگاه تهران	۳۰	۵/۹۳
۵	دانشگاه مازندران	۲۷	۵/۳۴
۶	دانشگاه قم	۲۴	۴/۷۴
۷	دانشگاه تربیت مدرس	۲۲	۴/۳۵
۸	دانشگاه علوم اسلامی رضوی	۲۲	۴/۳۵
۹	دانشگاه گیلان	۱۹	۳/۷۵
۱۰	دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران	۱۸	۳/۵۶
۱۱	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	۱۶	۳/۱۶
۱۲	دانشگاه شیراز	۱۵	۲/۹۶
۱۳	دانشگاه بوعلی سینا همدان	۱۴	۲/۷۷
۱۴	پردیس فارابی دانشگاه تهران	۱۱	۲/۱۷
۱۵	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی	۹	۱/۷۸
۱۶	دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد	۸	۱/۵۸
۱۷	دانشگاه پیام نور	۷	۱/۳۸
۱۸	دانشگاه یزد	۷	۱/۲۴
۱۹	دانشگاه کردستان	۶	۱/۱۹
۲۰	دانشگاه کاشان	۶	۱/۱۹
۲۱	دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان	۵	۰/۹۹
۲۲	دانشگاه ارومیه	۴	۰/۷۹
۲۳	دانشگاه اصفهان	۴	۰/۷۹

۰/۷۹	۴	دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد	۲۴
۰/۷۹	۴	دانشگاه بجنورد	۲۵
۰/۷۹	۴	دانشگاه زابل	۲۶
۰/۷۹	۴	دانشگاه شاهد	۲۷
۰/۷۹	۴	دانشگاه شهید مدنی آذربایجان	۲۸
۰/۵۹	۳	دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم	۲۹
۰/۵۹	۳	جامعه المصطفی العالمیه	۳۰
۰/۵۹	۳	دانشگاه حضرت معصومه (س)	۳۱
۰/۵۹	۳	دانشگاه سیستان و بلوچستان	۳۲
۰/۵۹	۳	علوم پزشکی شهیدبهشتی	۳۳
۰/۵۹	۳	دانشگاه ملایر	۳۴
۰/۴۰	۲	دانشگاه اراک	۳۵
۰/۴۰	۲	دانشگاه خوارزمی	۳۶
۰/۴۰	۲	دانشگاه شهیدباهنر کرمان	۳۷
۰/۴۰	۲	دانشگاه یاسوج	۳۸
۰/۴۰	۲	دانشگاه زنجان	۳۹
۱۰/۸۷	۵۵	و ۴۹ موسسه آموزش عالی دیگر	۴۰
۱۰۰	۵۰۶	مجموع	مجموع

یافته‌های تحلیل محتوای وابستگی سازمانی نویسندگان نشان می‌دهد نویسندگان وابسته به ۸۸ دانشگاه و سازمان در انتشار مقالات این نشریه نقش آفرینی کرده‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود نویسندگان با وابستگی سازمانی دانشگاه شهیدبهشتی، دانشگاه علامه طباطبائی، و دانشگاه فردوسی مشهد بیشترین مشارکت را داشته‌اند. این تمرکز نشان می‌دهد که نشریه بیش از همه از سوی نهادهای علمی معتبر با سابقه قوی در حقوق کیفری استقبال شده است. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، صاحب امتیاز نشریه، با ۲۲ وابستگی سازمانی، تنها ۴/۳۵ درصد از مقالات منتشره را به خود اختصاص داده است که می‌توان استنباط کرد سردبیر و هیئت‌تحریریه نشریه در حفظ استقلال علمی نشریه موفق عمل کرده‌اند.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد حدود ۷۵ درصد مقالات منتشره، وابستگی سازمانی ۲۰ درصد کل تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی مشارکت‌کننده در مقالات این نشریه (۱۸ موسسه) را یدک می‌کشند. این مهم نشان می‌دهد پراکندگی سازمانی و تنوع جغرافیایی با نگاه عدالت نشر علمی برای این نشریه ضروری است و به فرصت گسترش تعامل با دانشگاه‌های مناطق کمتر فعال باید توجه شود.

۵. موضوعات علمی مقالات منتشر شده در نشریه چگونه توزیع شده‌اند و چه حوزه‌هایی بیشترین فراوانی را داشته‌اند؟

جدول ۵. توزیع فراوانی طبقه بندی موضوعی مقالات

محرور موضوعی	تعداد	درصد
سیاست جنایی	۴۵	۱۷/۲۴
حقوق بین الملل کیفری	۴۱	۱۵/۷۱
جرم‌شناسی	۳۵	۱۳/۴۱
حقوق کیفری اختصاصی	۳۲	۱۲/۲۶
فقه جزایی	۲۷	۱۰/۳۴
رویکردهای تطبیقی	۲۵	۹/۵۸
حقوق کیفری عمومی	۲۱	۸/۰۵
آیین دادرسی کیفری	۲۱	۸/۰۵
حقوق کیفری اطفال و نوجوان	۵	۱/۹۲
فلسفه کیفری	۵	۱/۹۲
ادله اثبات دعوی	۴	۱/۵۳
مجموع	۲۶۱	۱۰۰

تحلیل یافته‌های این سؤال پژوهشی در دو دسته بندی ارائه می‌شود:

الف - تحلیل محتوای موضوعی مقالات نشریه

ب- تحلیل خالها و فرصت‌های پژوهشی در حوزه حقوق کیفری ایران

الف - تحلیل محتوای موضوعی مقالات نشریه: جدول شماره ۶ توزیع فراوانی مقالات نشریه آموزه‌های حقوق کیفری را براساس محورهای موضوعی تخصصی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد. یافته‌ها بیانگر ایناست که بیشترین فراوانی موضوعی مربوط به محور سیاست جنایی با ۴۵ مقاله (۱۷/۲۴ درصد) است. این میزان بیانگر رشد قابل توجه پژوهشگران به ابعاد راهبردی، کلان‌نگر، و سیاست‌گذارانه در نظام عدالت کیفری ایران است. این محور نه تنها در سطح نظری، بلکه در بررسی‌های تقنینی و آسیب‌شناختی نیز در کانون توجه قرار گرفته است. در رتبه دوم، حقوق بین‌الملل کیفری با ۴۱ مقاله (۱۵/۷۱ درصد) قرار دارد که خود نشانه‌ای از افزایش رویکرد جهانی در پژوهش‌های حقوق کیفری داخلی و تلاش برای فهم جایگاه نظام عدالت کیفری ایران در مقیاس بین‌المللی است. این موضوع در سال‌های اخیر با توجه به چالش‌های فراملی مانند جنایات بین‌المللی، تروریسم، و همکاری‌های قضایی بین‌المللی اهمیت دوچندان یافته است. محورهای جرم‌شناسی (۱۳/۴۱ درصد)، حقوق کیفری اختصاصی (۱۲/۲۶ درصد)، و فقه جزایی (۱۰/۳۴ درصد) به ترتیب در رتبه‌های سوم تا پنجم قرار دارند. این توزیع نشان‌دهنده توازن نسبی میان ابعاد نظری-تحلیلی، رویکردهای کاربردی-تقنینی، و مباحث فقهی-بومی در نظام حقوق کیفری کشور است. جایگاه رویکردهای تطبیقی با ۲۵ مقاله (۱۰/۳۴ درصد) نیز قابل توجه است. حضور قابل اعتنای این محور نمایانگر گسترش علاقه به مقایسه تطبیقی نظام کیفری ایران با سایر نظام‌های حقوقی و ارتقاء بینش حقوق تطبیقی در تولید دانش حقوقی است.

در مقابل، برخی حوزه‌ها مانند حقوق کیفری عمومی و آیین دادرسی کیفری با ۲۱ مقاله (۸/۰۵ درصد)، اگرچه از ارکان اصلی دانش حقوق کیفری به شمار می‌روند، اما نسبت به حوزه‌هایی مانند سیاست جنایی یا بین‌الملل کیفری، سهم کمتری دارند. این موضوع می‌تواند ناشی از اشباع نسبی پژوهش در این دو حوزه یا گرایش پژوهشگران به حوزه‌های جدیدتر و چالشی‌تر باشد. همچنین محورهای تخصصی‌تر مانند «حقوق کیفری اطفال و نوجوان»، «فلسفه کیفری»، و «ادله اثبات دعوی» روی هم کمتر از ۵ درصد از مقالات را شامل می‌شوند. این سهم پایین بیانگر وجود خلأ پژوهشی در این حوزه‌ها است که می‌تواند در سیاست‌گذاری پژوهشی نشریه و هدایت پایان‌نامه‌ها در کانون توجه قرار گیرد. تحلیل جدول موضوعی مقالات نشان می‌دهد که:

- حوزه‌های سیاست‌گذارانه و بین‌المللی رشد یافته‌اند؛
 - جرم‌شناسی، فقه جزایی، و رویکردهای تطبیقی نیز جایگاهی قابل دفاع دارند؛
 - اما موضوعات بنیادین (مانند آیین دادرسی و حقوق عمومی) و مباحث دیگر (مانند حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، فلسفه کیفری، و ادله اثبات) نیازمند توجه پژوهشی بیشتری هستند.
- این یافته‌ها می‌توانند مبنایی برای طراحی فراخوان‌های موضوعی آینده، تدوین سرفصل‌های درسی به‌روز، و جهت‌دهی به پروژه‌های تحصیلات تکمیلی باشند.

ب- تحلیل خلأها و فرصت‌های پژوهشی در حوزه حقوق کیفری ایران: تحلیل محتوای ۲۶۱ مقاله منتشرشده در نشریه «آموزه‌های حقوق کیفری» بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، بینشی روشن از جهت‌گیری‌های علمی، تمرکز موضوعی، و خلأهای پژوهشی در حوزه حقوق کیفری ایران ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که برخی حوزه‌ها با رشد معنادار روبه‌رو شده‌اند، درحالی‌که دیگر حوزه‌ها همچنان مغفول مانده‌اند. این الگوها هم برای **سیاست‌گذاری علمی** و هم برای **هدایت پژوهش‌های آینده** اهمیت دارند.

فرصت‌های تقویت‌شده عبارتند از:

۱. **سیاست جنایی به‌عنوان پیشران پژوهش:** با سهم ۱۷/۲۴ درصد، حوزه سیاست جنایی پرنسب‌ترین حوزه توجه‌شده از سوی پژوهشگران بوده است. این میزان رشد می‌تواند بازتابی از نگرانی‌های کلان در مدیریت جرم، ارزیابی عملکرد نهادهای کیفری، و واکنش اجتماعی به بزهکاری در سطح کلان باشد. فرصت‌هایی برای گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای با علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، و مدیریت عمومی وجود دارد.
۲. **گسترش چشم‌گیر حقوق بین‌الملل کیفری:** سهم ۱۵/۷۱ درصد این حوزه نشان می‌دهد که پژوهشگران ایرانی به‌تدریج در حال هم‌سوسدن با روندهای بین‌المللی عدالت کیفری هستند. موضوعاتی مانند دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی، تروریسم، و صلاحیت جهانی می‌توانند بستری برای ارتقاء تعاملات علمی ایران با فضای بین‌الملل باشند.
۳. **تقویت تدریجی حوزه‌های جرم‌شناسی، فقه جزایی، و رویکردهای تطبیقی:** ترکیب داده‌های مربوط به جرم‌شناسی (۱۳ درصد)، فقه جزایی (۱۰ درصد)، و رویکردهای تطبیقی (۹ درصد) نشان‌دهنده تثبیت این سه محور به‌عنوان حوزه‌های محبوب در تولید علم است. گسترش مطالعات میدانی در جرم‌شناسی، فقه کارکردگرایانه و تطبیق با نظام‌های مدرن حقوقی می‌تواند سطح تحلیلی این حوزه‌ها را ارتقاء دهد.

خلأهای پژوهشی مشخص عبارتند از:

۱. کم‌بودن مقاله در برخی حوزه‌های موضوعی: دو حوزه بنیادین حقوق کیفری عمومی و آیین دادرسی کیفری با سهم هر یک فقط ۸/۰۵ درصد، علی‌رغم اهمیت بالای مفهومی و تقنینی، سهمی نسبتاً پایین در ادبیات نشریه دارند. به‌ویژه با توجه به تحولات آیین دادرسی در سال‌های اخیر (از جمله قوانین جدید و اصلاحیه‌ها)، این حوزه نیازمند بازنگری پژوهشی است.

۲. غیبت معنادار برخی حوزه‌ها: سهم مجموعی سه محور حقوق کیفری اطفال و نوجوان، فلسفه کیفری، و ادله اثبات دعوی کمتر از ۵ درصد است. این خلأ نشان می‌دهد که نشریه و جامعه علمی هنوز به اندازه کافی به چالش‌های حقوق نوین و مفاهیم فلسفی و اثباتی توجه نکرده‌اند.

۳. نبود پوشش مؤثر در حوزه‌های فناوری و حقوق سایبری: اگرچه در جدول جداگانه‌ای گزارش نشده، اما نبود آشکار کلیدواژه‌های سایبری، داده‌های شخصی، هوش مصنوعی، یا جرایم فضای مجازی در میان حوزه‌های اصلی نشریه، بیانگر یک خلأ آشکار در تحلیل‌های محتوایی است. این در حالی است که در سطح بین‌المللی، حقوق کیفری سایبری یکی از پُرشتاب‌ترین حوزه‌های پژوهشی محسوب می‌شود.

الگوی کنونی پژوهش در نشریه نشان می‌دهد که تولید علمی حقوق کیفری در ایران در مسیر بلوغ است، اما همچنان نیازمند تنوع موضوعی، تمرکز بر حوزه‌های نوپدید، و ارتقاء پیوندهای میان‌رشته‌ای و بین‌المللی است. برای غنای پژوهش‌های آینده، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- طراحی فراخوان‌های موضوعی در حوزه‌هایی چون حقوق کیفری فناوری، عدالت ترمیمی، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، و تحلیل فلسفی مجازات؛
- توسعه پژوهش‌های میدانی و تجربی در حوزه جرم‌شناسی؛
- تدوین سرفصل‌های جدید در دوره‌های تحصیلات تکمیلی با محوریت رویکردهای تطبیقی و دیجیتال؛
- ترغیب پژوهشگران به نگارش مقالات گروهی و بین‌رشته‌ای برای عبور از پژوهش‌های فردمحور سنتی.

مطابق یافته‌های پژوهش، چشم‌انداز مطالعات حقوق کیفری در ایران هم‌زمان با حفظ بنیان‌های کلاسیک، نیازمند بازنگری راهبردی برای حرکت به سمت تنوع موضوعی، نوآوری روش‌شناسی، و هم‌راستایی با تحولات بین‌المللی است. پیشنهاد می‌شود سردبیران نشریات، سیاست‌گذاران دانشگاهی، و پژوهشگران حوزه حقوق کیفری از این تحلیل برای برنامه‌ریزی آتی، طراحی فراخوان‌های موضوعی، و تدوین سرفصل‌های آموزشی نوآورانه بهره‌برداری کنند.

۶. چه میزان مشارکت علمی (تعداد نویسندگان در هر مقاله) در این نشریه دیده می‌شود و الگوهای غالب کدام‌اند؟

جدول ۶. میزان مشارکت علمی نویسندگان در نگارش مقالات

تعداد نویسنده	تعداد مقالات	درصد
۱	۸۰	۳۰/۶۵
۲	۱۲۶	۴۸/۲۸
۳	۴۶	۱۷/۶۲
۴	۹	۳/۲۱
مجموع	۲۶۱	۱۰۰

حدود ۷۹ درصد از مقالات دارای حداکثر دو نویسنده هستند که بیانگر الگوی غالب پژوهش انفرادی یا دونفره در این حوزه است. سهم پایین مقالات گروهی (با ۳ یا ۴ نویسنده) نشان‌دهنده محدودیت در تولید پژوهش‌های تیمی یا میان‌رشته‌ای است. گسترش کار تیمی می‌تواند موجب ارتقاء کیفیت، جامع‌نگری، و بین‌رشته‌ای شدن مطالعات حقوقی شود. یافته‌های آماری پژوهش، تصویری نسبتاً جامع از ساختار علمی و محتوایی نشریه آموزه‌های حقوق کیفری طی چهارده سال گذشته ترسیم می‌کند. نقاط قوت آن شامل موارد زیر است:

- ثبات در سیاست‌های انتشار؛
- کیفیت بالای مشارکت علمی (رتبه‌های علمی بالا)؛
- تمرکز موضوعی بر مسائل بنیادین حقوق کیفری؛
- پیوند نزدیک با دانشگاه‌های تراز اول کشور.

با این حال، برخی کاستی‌ها نیز در ساختار موضوعی و اجتماعی مقالات مشهود است:

- تنوع محدود در حوزه‌های نوپدید؛
- عدم توازن در توزیع جغرافیایی نهادهای تولیدکننده علم؛
- مشارکت پایین زنان و نبود مشارکت گسترده پژوهشگران میان‌رشته‌ای.

از این نتایج می‌توان در تدوین سیاست‌های آینده نشریه، طراحی فراخوان‌های موضوعی، و هدایت رساله‌های دکتری در حوزه حقوق کیفری بهره‌برداری کرد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر با هدف بررسی محتوای مقالات منتشرشده در نشریه «آموزه‌های حقوق کیفری» طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ انجام شد. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کمی و بر پایه داده‌های کتاب‌شناختی و محتوایی ۲۶۱ مقاله منتشرشده در ۲۷ شماره کوشید به تصویری روشن از روندهای علمی، ساختار مشارکت پژوهشگران، موضوعات مورد توجه، و الگوهای نگارش علمی در این نشریه دست یابد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که نشریه «آموزه‌های حقوق کیفری» طی سال‌های بررسی‌شده از ثبات نسبتاً مناسبی در تعداد مقالات منتشرشده برخوردار بوده و به‌ویژه از سال ۱۳۹۸ به بعد، با افزایش تعداد مقالات در هر شماره، ظرفیت خود را برای پذیرش پژوهش‌های بیشتر ارتقاء داده است. این روند افزایشی می‌تواند نشانه‌ای از رشد علاقه پژوهشگران به این نشریه و ارتقاء جایگاه علمی آن در فضای آکادمیک کشور باشد.

از منظر ساختار اجتماعی مشارکت‌کنندگان، نتایج نشان می‌دهد که اغلب مقالات را استادان با مرتبه علمی استادیار به بالا نگاشته‌اند، که بیانگر کیفیت علمی مطلوب و پذیرش مقاله‌ها از سوی پژوهشگران دانشگاهی برجسته است. با این حال، سهم پایین مشارکت زنان در نگارش مقالات (تنها ۱۲ درصد از کل مشارکت‌ها) نشان‌دهنده نوعی شکاف جنسیتی در تولید علم حقوق کیفری است. این عدم توازن، نیازمند سیاست‌های تشویقی برای ارتقاء حضور زنان در فرایندهای پژوهشی و علمی است.

در زمینه وابستگی سازمانی، تمرکز عمده روی دانشگاه‌های بزرگ و باسابقه کشور مانند شهید بهشتی، علامه طباطبایی، و فردوسی مشهد است. اگرچه این امر بر اعتبار علمی نشریه می‌افزاید، اما از سوی دیگر، مشارکت محدود دانشگاه‌های نواحی دیگر کشور را نشان می‌دهد. چنین تمرکزی ممکن است مانعی برای تحقق عدالت آموزشی و پژوهشی در سطح ملی باشد.

از منظر تحلیل کلان محتوای موضوعی مقالات، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تمرکز معنادار تولیدات علمی بر محورهای «سیاست جنایی»، «حقوق بین‌الملل کیفری»، و «جرم‌شناسی» است. این تمرکز دلالت بر تحول جهت‌گیری پژوهش‌های کیفری از قالب‌های سنتی صرفاً نظری به سوی مباحث ناظر بر کارآمدی، مسئولیت‌های بین‌المللی دولت‌ها، و تحلیل‌های اجتماعی-تجربی در حوزه جرم دارد. به عبارت دیگر، تحولات رو به افزایش در این حوزه‌ها، می‌توانند بازتابی از تلاش جامعه علمی حقوق کیفری ایران برای پاسخ‌گویی به اقتضائات نوین نظام عدالت کیفری باشند. از سوی دیگر، سهم نسبتاً کمتر حوزه‌هایی چون «حقوق کیفری عمومی» و «آیین دادرسی کیفری» علی‌رغم بنیان‌گذاری فکری آن‌ها در ساختار حقوق جزا، بیانگر نوعی اشباع موضوعی یا چرخش گفتمانی به سوی حوزه‌های راهبردی‌تر است. همچنین، پایین بودن سهم موضوعاتی چون «فلسفه کیفری»، «حقوق کیفری اطفال و نوجوانان»، و «ادله اثبات دعوی» نمایانگر تداوم خلأهای پژوهشی در ساحت‌های مفهومی، نوپدید، یا حساس از نظر عدالت کیفری است؛ ساحت‌هایی که در نظام‌های حقوقی پیشرو در کانون توجه قرار گرفته‌اند. برآیند این توزیع موضوعی، نشانه‌ای از شکل‌گیری نوعی هرم اولویت در پژوهش‌های کیفری است که گرچه بر پایه برخی تحولات مطلوب استوار شده، اما نیازمند بازنگری در سیاست‌های پژوهشی و تقویت توازن میان حوزه‌های بنیادی، نوظهور، و راهبردی است.

در نهایت، بررسی الگوی مشارکت علمی نشان داد که مقالات را بیشتر یک یا دو نویسنده نگاشته‌اند و پژوهش‌های گروهی یا میان‌رشته‌ای سهم بسیار اندکی دارند. این موضوع، محدودیت قابل توجهی در نوآوری، چندصدایی بودن، و ترکیب دیدگاه‌ها ایجاد می‌کند و می‌تواند در بلندمدت تأثیر منفی بر کیفیت علمی مقالات داشته باشد.

این پژوهش از آن‌رو اهمیت دارد که برای نخستین بار به بررسی جامع و منسجم محتوای یکی از مهمترین نشریات حقوق کیفری کشور پرداخته است. یافته‌های آن می‌تواند به شرح زیر برای ذینفعان مفید و راهگشا باشد:

- سردبیران و مدیران نشریه‌های حقوقی: برای بازنگری در سیاست‌های پذیرش مقاله، گسترش تنوع موضوعی، و ارتقاء ساختار پژوهشی مقالات؛
- پژوهشگران حوزه حقوق کیفری: برای شناسایی خلأها، گرایش‌های پژوهشی رایج، و فرصت‌های علمی آینده؛
- دانشجویان تحصیلات تکمیلی: برای انتخاب موضوعات پایان‌نامه و رساله در حوزه‌های موضوعی کمتر کارشده؛
- سیاست‌گذاران علمی و دانشگاهی: برای تحلیل وضعیت تولید دانش در حوزه عدالت کیفری و طراحی بسته‌های حمایتی.

براساس یافته‌ها و تحلیل‌های این پژوهش، موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی قابل طرح‌اند:

- تحلیل محتوای مقایسه‌ای میان نشریات حقوقی مختلف در حوزه حقوق جزا، فقه و حقوق اسلامی، جرم‌شناسی، و سیاست جنایی؛
- مطالعات بین‌المللی تطبیقی با نشریات حقوق کیفری معتبر جهان برای بررسی تفاوت‌ها در گرایش‌های موضوعی و ساختار مقالات؛

- تحلیل روش‌های پژوهشی در مقالات حقوقی ایران با استفاده از متن کامل چکیده‌ها و روش‌شناسی دقیق؛
- تحلیل استنادی مقالات برای سنجش تأثیر علمی واقعی آن‌ها.
- مطالعه کیفی و مصاحبه‌محور با هیئت‌تحریریه نشریات برای شناخت سیاست‌ها، چالش‌ها، و اهداف انتشار.

فهرست منابع

- رهنمای رودپشتی، ف.، بنی‌طالبی دهکردی، ب.، وکاوایان، م. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای نشریات علوم مالی ایران و مقایسه با نشریه Finance آمریکا. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۷(۲۱)، ۷۱-۸۶.
- زکی، م. (۱۳۸۵). بررسی تحلیل محتوای گرایش‌های پژوهشی در مجلات تخصصی مدیریت. فصلنامه دانش مدیریت، ۷۵.
- Bornmann, L., & Mutz, R. (2015). Growth rates of modern science: A bibliometric analysis based on the number of publications and cited references. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, [(11), 2215–2222. <https://doi.org/10.1002/asi.23329>
- Copes, H., Beaton, B., Ayeni, D. et al. (2020). A Content Analysis of Qualitative Research Published in Top Criminology and Criminal Justice Journals from 2010 to 2019. *Am J Crim Just*, 45, 1060–1079. <https://doi.org/10.1007/s12103-020-09540-6>
- Ellickson, Robert C., Trends in Legal Scholarship: A Statistical Study (June 1999). [SSRN: https://ssrn.com/abstract=193588](https://ssrn.com/abstract=193588) or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.193588>
- Günther, E., & Domahidi, E. (2017). The application of quantitative content analysis in literary studies: A typological proposal. *Digital Scholarship in the Humanities*, 32(2), 353–370. <https://doi.org/10.1093/lc/fqw022>
- Krippendorff, K. (2013). *Content analysis: An introduction to its methodology (3rd ed.)*. Thousand Oaks, Sage Publications.
- Makki, M. (2019). 'Discursive news values analysis' of Iranian crime news reports: Perspectives from the culture. *Discourse & Communication*, 13(4), 437-460. <https://doi.org/10.1177/1750481319842453>
- Miller, J. J., Gillentine, A., Olinger, A., & Vogt, S. (2019). A content analysis of the Journal of Legal Aspects of Sport: 1992–2016. *Journal of Legal Aspects of Sport*, 29(1), 1–20. <https://doi.org/10.18060/22898>
- Moed, H. F. (2005). *Citation analysis in research evaluation*. Springer. <https://doi.org/10.1007/1-4020-3714-7>
- Neuendorf, K. A. (2017). *The content analysis guidebook (2nd ed.)*. Thousand Oaks, Sage Publications.
- Rahnama Roudpeshti, F., Banitalebi Dehkordi, B., and Kavian, M. (2014). Content analysis of Iranian financial science journals and comparison with the American Finance journal. *Financial Science Securities Analysis*, 7(21), 71-86. [in Persian].
- Wylie, L.E., Hazen, K.P., Hoetger, L.A. (2018). Four decades of the journal Law and Human Behavior: a content analysis. *Scientometrics*, 115, 655–693 <https://doi.org/10.1007/s11192-018-2685-y>
- Zaki, M.. (2006). Content analysis of research trends in specialized management journals. *Management Science Quarterly*, 75. [in Persian].